



رجال نجاشی

پدیدآورنده (ها) : شبیری، سید محمدجواد

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۱۹ (ذوالکفل - رشید)

صفحات : از ۵۶۱ تا ۵۷۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1699557>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- رجال طوسی
- تهذیب الاحکام
- گزارش تصحیح اسناد بصائر الدرجات، همراه با معرفی پاره ای از نسخه های خطی بصائر
- لزوم ارزیابی سندی احادیث کافی با استفاده از دروس حضرت آیت الله شبیری زنجانی
- پرونده کلینی و کافی
- توقیع (۳)
- شیخ مفید و کتاب اختصاص
- بررسی اسناد کتاب اختصاص
- منبع شناسی : اثبات الوصیة و مسعودی صاحب مروج الذهب
- النعمانی و مصادر الغیبة
- التأثير والتأثر بین الشیخ المفید والسید المرتضی والشیخ الطوسی
- سرچشمه های احادیث

عناوین مشابه

- بررسی روایات و آراء رجالیان درباره عبدالله بن خدّاش (ضمن ارزیابی جایگاه او بین راویان متهم به غلو در رجال نجاشی)
- تاریخ نگاری شیعه در کتاب رجال نجاشی
- بررسی نقلیهایی از جاحظ در رجال نجاشی و فهرست شیخ
- جریان شناسی غلو و غالیان در رجال نجاشی (م۴۵۰ق)
- روش نجاشی در نقد رجال
- مزایای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف آنها با یکدیگر
- رجال نجاشی مهمترین کتاب رجالی شیعه
- تحلیل پدیده «ترجمه ضمنی» در رجال نجاشی؛ گونه ها و دستاوردها
- پژوهشی در تراث رضوی علیه السلام بر مبنای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی
- داوری در باب تعارض آرای نجاشی و دیگر رجال شناسان متقدم شیعه

۱۹۱۲-۱۹۳۹، چاپ ایرج افشار، [تهران] ۱۳۵۶ ش؛ عباس قمی، الکنی و الالقب، تهران: مکتبه الصدر، [بی تا]؛ عنایت الله قهپائی، مجمع الرجال، چاپ ضیاء الدین علامه اصفهانی، اصفهان ۱۳۸۴-۱۳۸۷، چاپ افست قم [بی تا]؛ محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ ابوالهدی کلباسی، سماء المقال فی علم الرجال، چاپ محمد حسینی قزوینی، قم ۱۴۱۹؛ محمد بن محمد ابراهیم کلباسی، الرسائل الرجالية، چاپ محمد حسین درایتی، قم ۱۳۸۰-۱۳۸۱ ش؛ محمد باقر بن محمد تقی مجلسی؛ محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چاپ حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم ۱۴۰۶-۱۴۱۳؛ نجاشی؛ حسین بن محمد تقی نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، قم ۱۴۱۵-۱۴۲۰.

/ سید علی حسینی خامنه ای /

رجال نجاشی، مهم ترین کتاب رجالی از اصول

چهارگانه رجالی شیعی، تألیف ابوالعباس احمد بن علی نجاشی*، نام اصلی این کتاب، به تصریح مؤلف (ص ۲۱۱)، فهرست اسماء مصنفی الشیعة (فهرست پدیدآورندگان شیعه) است. او در توضیح عنوان کتاب افزوده است که ذیل نام هر یک از پدیدآورندگان، آثار آنان را که به آنها دست یافته (و ما اذکنا من مصنفاتهم) معرفی کرده، و مطالبی درباره کنیه، لقب، منزلت اجتماعی، نسب، محل سکونت و گفته‌هایی راجع به مدح و ذم آنها آورده است (نیز ← موحد ابیطحی، ج ۱، ص ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۵۱).

سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴)، در نقل مطلب از این کتاب، افزون بر نام اصلی آن (← ۱۴۰۹، ص ۱۸۲)، از نامهای مختصرتر فهرست مصنفی الشیعة (۱۳۶۳ ش، ص ۱۲۱)، فهرست کتب الشیعة (همان، ص ۱۳۰)، فهرست المصنفین (۱۴۰۹، ص ۱۹۰؛ ۱۳۶۳ ش، ص ۱۲۲)، اسماء المصنفین (۱۳۶۳ ش، ص ۹۷)، و الفهرست (۱۴۰۹، ص ۲۴۳؛ ۱۴۱۳، ص ۹۹، ۲۱۰؛ ۱۴۱۶، ص ۲۴۲) نیز استفاده کرده است (نیز ← کولبرگ^۱، ص ۳۱۶). نخست، در آثار محقق حلی (۱۳۷۱ ش، ص ۲۹۶؛ ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۹۲؛ ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۸، ۴۰۳)، و سپس در شرح حال نجاشی در رجال ابن داود حلی (ستون ۳۲) و خلاصة الاقوال علامه حلی (ص ۷۲) از این کتاب با نام کتاب الرجال و در اجازه علامه حلی به بنو زهره، از آن با نام اسماء الرجال یاد شده (← محمد باقر مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۹۵)، و پس از آن به تدریج عنوان رجال جای نام اصلی کتاب را گرفته است. هرچند، این نام‌گذاریها به این موارد محدود نماند و کتاب به نامهای دیگری

و سوم و به همین ترتیب درباره سایر حروف، نظیر منهج المقال تألیف میرزا محمد استرآبادی (متوفی ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۸)، مرتب ساخته است (نیز ← خوانساری، ج ۶، ص ۱۳۱؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۶۶). همچنین سید محمد علی شاه عبدالعظیمی (متوفی ۱۳۳۴) جلد دوم از مجموعه چهار جلدی خود تحت نام منتخب الرجال (بمبئی، [بی تا]) را به گزیده‌ای از اختیار الرجال اختصاص داده است. علاوه بر اینها، میرداماد (متوفی ۱۰۴۰) تعلیقه‌ای بر کتاب اختیار الرجال نوشت که از آن به شرح نیز یاد می‌شود، اما موفق به اتمام آن نشد، به گونه‌ای که دو جزء پایانی اختیار فاقد تعلیقه است. این تعلیقه‌ها به همراه اختیار معرفة الرجال (قم ۱۴۰۴) چاپ شده است.

عنایت الله قهپائی (ج ۶، ص ۱۱) به وجود منتخبانی (المنتخبین) از رجال کشی اشاره کرده است (نیز ← ابوالهدی کلباسی، ج ۱، ص ۸۱). باتوجه به آنکه در انتساب اختیار الرجال به شیخ طوسی هیچ تردیدی وجود ندارد، و تألیف گروهی نیز در آن اعصار متداول نبوده، این گمان که کسان دیگری نیز به طور مستقل دست به گزینش کتاب کشی زده باشند، بنابر عبارت قهپائی تقویت می‌شود.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، حیدرآباد، دکن ۱۳۲۹-۱۳۳۱، چاپ افست بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۱؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ همو، مناقب آل ابی طالب، نجف ۱۹۵۶؛ ابن طاووس، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، نجف ۱۳۶۸، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش؛ محمد مهدی بن مرتضی بحر العلوم، رجال السید بحر العلوم، المعروف بالفوائد الرجالية، چاپ محمد صادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، تهران ۱۳۶۳ ش؛ یوسف بن احمد بحرانی، لؤلؤة البحرين فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، چاپ محمد صادق بحر العلوم، نامه ۲۰۰۸/۱۴۲۹؛ علی خامنه‌ای، «چهار کتاب اصلی علم رجال»، در یادنامه علامه امینی: مجموعه مقالات تحقیقی، به اهتمام جعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۱ ش؛ خوانساری؛ مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، تهران ۱۳۸۹ ش؛ عبدالله بن صالح سماهیجی، الاجازة الکبيرة الى الشیخ ناصر الجارودی القطیفی، چاپ مهدی عوازم قطیفی، [قم] ۱۴۱۹؛ شوشتری؛ زین الدین بن علی شهید ثانی، رسائل الشہید الثانی، قم ۱۳۷۹-۱۳۸۰ ش؛ حسن بن زین الدین صاحب معالم، التحریر الطاووسی، چاپ فاضل جواهری، قم ۱۴۱۱؛ محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ همو، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰؛ حسن بن یوسف علامه حلی، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۴۱۷؛ محمد قزوینی، نامه‌های قزوینی به تنقی زاده:

1. Kohlberg

نیز خوانده شد؛ از جمله، در پاره‌ای از مصادر، فهرست خوانده شده‌است (برای نمونه ← شهید اول، ج ۱، ص ۵۹؛ حلی، ص ۴۸۱؛ استرآبادی، ص ۱۲۵، ۱۳۱؛ محمدتقی مجلسی، ج ۱۱، ص ۵، ج ۱۴، ص ۳۵۷؛ محمدباقر مجلسی، ج ۱، ص ۳۶، ج ۵۰، ص ۳۳۰)؛ و محقق حلی در المعتبر (ج ۱، ص ۲۹۲) از آن با نام کتاب المصنفین، و فاضل آبی در کشف الرموز (ج ۱، ص ۹) با تعبیر مصنفی الشيعة الامامية از آن یاد کرده‌اند. ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲) نیز در لسان المیزان آن را غالباً، رجال الشيعة (مثلاً ج ۱، ص ۲۵، ۹۳، ۱۱۰)، گاهی مصنفی الشيعة (مثلاً ج ۱، ص ۳۳۴، ج ۲، ص ۲۴، ۶۹) و به ندرت، شیوخ الشيعة (مثلاً ج ۱، ص ۱۲۷، ۲۶۷-۲۶۶، ج ۲، ص ۲۲۳، ۲۲۸) و در یک مورد با نام مصنفی الامامية (← ج ۲، ص ۲۱۶) خوانده‌است (← ادامه مقاله).

برخی به این دلیل که کتاب رجالی براساس طبقات نوشته می‌شود و در آن فقط به ذکر اصول و مصنفات بسنده نمی‌شود، عنوان رجال را برای این کتاب نادرست دانسته‌اند (← شوشتری، ج ۱، ص ۲۴؛ نیز ← طوسی، ۱۴۰۳، مقدمه محمد واعظ‌زاده خراسانی، ص ۳۳). با این حال، دلیلی بر اثبات این نظر وجود ندارد و در کتاب نجاشی، اگرچه اساساً فهرست آثار نویسندگان شیعه است، جرح و تعدیل و دیگر مباحث علم رجال، از قبیل تعیین طبقه فرد و راوی و مروی‌عنه، و همچنین تعیین دوره زندگی هر فرد، که برای داوری در باب مرسل یا مسندبودن حدیث و نیز وقوع افتادگی در سند ضرورت دارد و از اهداف علمای رجال است، در نظر گرفته شده‌است (← ادامه مقاله). بنابراین، کتاب نجاشی هم فهرست است و هم کتاب رجال (شسبیری زنجانی، ج ۱، ص ۱۰۴؛ نیز ← نجاشی، ص ۲۱۱) و کتاب رجال بودن این اثر، منافاتی با فهرست بودن آن ندارد و رابطه این دو مفهوم، تباین یا تقابل نیست.

موضوع کتاب. در نام این کتاب، دو تعبیر «مصنف» (که مصنفان پدید آورده‌اند) و «شیعه» دیده می‌شود. لفظ مصنف گاهی در مقابل «اصل»، به منابع دست دومی اطلاق شده‌است که با تکیه بر منابع مکتوب پیشین (اصول) نگارش یافته‌اند (مثلاً ← ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴؛ مفید، ص ۲۵؛ نجاشی، ص ۳۵۵؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۹؛ موسوی خراسان، ص ۵)؛ از این‌روست که احمدبن حسین غضائری دو کتاب، یکی درباره مصنفات و دیگری درباره اصول، نگاشته‌است (← طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲). اما مراد از مصنف در رجال نجاشی، از جمله در مقدمه آن، معنای گسترده‌ای است که همه انواع تألیف را دربر می‌گیرد (← ادامه مقاله).

در رجال نجاشی افزون بر نویسندگان کتب، گردآورندگان و سامان‌دهندگان یک اثر نیز ذکر شده‌اند. گاهی فردی از امام

سؤالاتی می‌کرد و شخصی دیگر آنها را در مجموعه‌ای گردآوری می‌کرد. در رجال نجاشی، این مجموعه‌ها هم به سائل و هم به گردآورنده آن نسبت داده شده‌است؛ مثلاً مسائل صباح بن نصر هندی (نهدی) از امام رضا علیه‌السلام هم ذیل نام صباح (← ص ۲۰۲) و هم ذیل نام ریان بن شیب (ص ۱۶۵)، جمع‌آوری‌کننده آن، درج شده‌است (برای نمونه‌های دیگر ← ص ۲۹۵، ش ۷۹۹، قس ص ۳۹۵ و ص ۴۳۳، قس ص ۲۵۰).

تدوین مطالب مطرح شده در مناظره‌ها نیز نوعی تألیف به‌شمار رفته‌است؛ از این‌رو، درباره برخی اشخاص آمده «لَهُ مَجَالِسٌ وَ كُتُبٌ» (← ص ۲۵۱)، و این مجالس هم به مناظره‌کننده نسبت داده شده‌است و هم به جمع‌آوری‌کننده مباحث آن (← همانجا، قس ص ۴۳۳، ش ۱۱۶۴، نیز ← ص ۳۷، ش ۷۵، ص ۵۷، ش ۱۳۱، که مناظرات امام رضا علیه‌السلام را دربر دارد). کسانی که دیوان شاعری را گردآوری کرده‌اند، که آن را عمل یا صنعت شعر می‌خواندند، نیز در شمار مؤلفان کتب ذکر شده‌اند (← ص ۳۷، ۹۳، ۲۶۵، ۴۴۹)؛ تحریر، که به عمل نیز تعبیر شده، تألیف به شمار آمده و تحریرکننده نیز در زمره مؤلفان ذکر شده، و کتابها هم به مؤلف اصلی و هم به تحریرکننده نسبت داده شده‌است (← ص ۱۹۲، ش ۵۱۴، قس ص ۳۳۰، ش ۸۹۲).

ساماندهی و نظم‌بخشی به یک کتاب نیز نوعی تألیف تلقی شده‌است؛ از همین‌رو، احمدبن حسین بن عبدالملک که صرفاً کتاب مشیخه حسن بن محبوب (متوفی ۲۲۴) را گردآوری و بر اساس نام مشایخ باب‌بندی کرده، در رجال نجاشی (ص ۸۰) جداگانه معرفی شده‌است (نیز ← ص ۸۲، ۱۵۸).

افزون بر اینها، گاهی راویان کتابها نیز مانند پدیدآورندگان جداگانه معرفی شده‌اند (← ص ۵۶، ش ۱۳۰، ص ۳۶۲، ش ۹۷۴). در این میان، گاهی درباره یک کتاب دو رأی مطرح بوده و از این‌رو گاهی به استاد و گاهی به شاگرد و راوی او نسبت داده شده‌است (← ص ۱۲۶، ۲۱۶). به علاوه، چه بسا راوی کتاب، خود احادیثی به کتاب اصلی افزوده و بدین‌جهت در شمار مؤلفان ذکر شده‌است (← ص ۲۸۷، ۳۱۶، نیز ← ص ۲۱۹). روایات طولانی همچون عهدنامه مالک اشتر و وصیت‌نامه امیرمؤمنان علیه‌السلام به فرزندش محمد (یا امام حسن علیه‌السلام) نیز خود به منزله کتاب تلقی شده و نام راویان آنها در رجال نجاشی (ص ۸، ۲۰۳) به استقلال درج شده‌است. راوی صحیفه سجاده نیز در رجال نجاشی (ص ۴۲۶، ش ۱۱۴۴) در زمره پدیدآورندگان آثار معرفی شده‌است.

در بیش از سی شرح‌حال در رجال نجاشی، به صاحبان شرح‌حالها به صراحت کتابی نسبت داده نشده‌است. در این

با «اصحاب ما» و مقام بلند و وثاقت و امانت‌داریش سبب شده‌است ایشان در آثار خود از او سخن بگویند. از سوی دیگر، واژه «اصحابنا» مشتمل است بر فطّحیه و واقفه و امثال ایشان، که به بیشتر امامان اعتقاد داشتند و در احکام دینی نیز تفاوت چندانی با راویان امامی صحیح‌المذهب نداشتند و تفاوت آنها در سنخ اعتقاد به امامان علیهم‌السلام بوده‌است (به‌ویژه ص ۲۵۷). بر این اساس، مؤلف هیچ‌گاه ذکر این گونه افراد را در کتاب خود نیازمند توجیه ندانسته‌است. در این میان، از بیان نجاشی (ص ۲۳۲) دربارهٔ ابوطالب انباری (متوفی ۳۵۶) این گمان به ذهن می‌آید که او واقفه را از «اصحابنا» نمی‌دانسته، اما ظاهراً انباری به سبب مطرودبودن در نزد بزرگان امامیه، از شمار اصحابنا بیرون دانسته شده‌است.

با توجه به انگیزه تألیف کتاب (ص ادامه مقاله)، نجاشی از راویان غیرشیعی که از امامان روایت کرده (ص ۲۳، ۵۲، ۷۲؛ نیز ص شوشتری، ج ۱، ص ۲۱، ۲۵)، یا «نسخه‌ای را از ایشان نقل (ص ۳۵۵) یا مسند یکی از ایشان را تألیف کرده‌اند (ص ۴۵۱)، و نیز کسانی که دربارهٔ امامان تألیفی داشته‌اند (ص ۲۴۷، ۴۵۱) هم در کتاب خود یاد کرده‌است. راویانی که کتابی با مضمون شیعی نگاشته‌اند نیز در رجال نجاشی معرفی شده‌اند؛ مثلاً نجاشی از محمدبن جریر طبری (متوفی ۳۱۰)، مورخ مشهور و پرتصنیف، در کتاب خود (ص ۳۲۲) نام برده، زیرا او کتابی در رد حرقوصیه نوشته و در آن طرق حدیث غدیر را ذکر کرده‌است. به همین قیاس، او (ص ۸۵) راوی دیگری را نیز به دلیل تألیف کتابی دربارهٔ طرق حدیث ردالشمس آورده‌است. روایت یک راوی از «اصحابنا» و روایت «اصحابنا» از وی نیز دلیل دیگری برای ذکر او در زمرهٔ پدیدآورندگان کتب در رجال نجاشی است (ص ۲۴۰).

نجاشی همچنین هر مصنفی را که به نحوی به تشیع منسوب بوده، در کتاب خود ذکر کرده‌است؛ مثلاً شرح‌حال کسی که معتزلی بوده و چندی به تشیع گرویده اما بر این عقیده نمانده‌است (ص ۴۰۳). او این نکته را به مناسبت ذکر راوی فاسدالمذهب و مضطرب‌الروایه‌ای دیگر که وی را خطابی خوانده و بر مصنفاتش اعتماد نداشته‌اند، نیز یادآور شده‌است (ص ۴۱۶؛ نیز ص موحّد ابطحی، ج ۱، ص ۷۹-۸۰).

تاریخ تألیف. برخی آغاز تألیف این کتاب را در زمان حیات سیدمرتضی علم‌الهدی* (متوفی ۴۳۶) و تکمیل آن را پس از وفات وی دانسته‌اند (ص دُرّیاب نجفی، ص ۴۶؛ نیز ص بحرالعلوم، ج ۲، ص ۶۴، پانویس ۲). زیرا از یک سو، گمان رفته کتاب به توصیه یا تشویق سیدمرتضی نگارش یافته که به تصریح مقدمهٔ کتاب (ص ۳) در هنگام نگارش مقدمه زنده بوده‌است و از سوی دیگر، در شرح‌حال سیدمرتضی (ص ۲۷۰-

موارد، گاهی طریق نجاشی به این افراد ذکر شده (در چهارده مورد، مثلاً ص ۳۶۸)، اما گاهی طریقی هم ذکر نشده‌است. در بیشتر این موارد، به روایت مستقیم این اشخاص از معصوم علیه‌السلام (برای نمونه ص ۲۷، ۱۵۰، نیز ص ۱۵۶) یا روایت غیرمستقیم آنان (ص ۲۸، ۱۸۳) اشاره شده‌است. به نظر می‌رسد، چون نقل روایت غالباً براساس دست‌نوشته‌ای صورت می‌گرفته‌است، روایت‌کردن از معصوم نشانهٔ وجود چنین نوشته‌ای بوده‌است، و از آن‌رو از این اشخاص در رجال نجاشی نام برده شده‌است. شاهد این سخن آن است که در برخی از این شرح‌حاله‌ها، دربارهٔ راوی گفته شده او «احادیث» دارد و این احادیث، کتاب به‌شمار آمده‌است (ص ۳۶۲، نیز ص ۱۵۱، ۲۸۲)؛ البته گاهی به مدون نبودن این احادیث تصریح شده‌است (ص ۱۱۷). در ضمن، ذیل نام یکی از اشخاص تصریح شده که کسی از اصحاب به او تصنیفی نسبت نداده (ص ۴۶) و گویا مراد این بوده که وی احادیث خود را مدون نکرده‌است.

دربارهٔ رجال نجاشی این احتمال هم هست که برخی از شرح‌حاله‌های مندرج در آن کامل نشده بوده یا در نسخه‌های موجود افتادگی رخ داده‌است؛ چنان‌که در پاره‌ای شماره‌ها نام شخص بی‌هیچ توضیحی درج شده‌است (ص ۸۹، ش ۲۲۲، ص ۱۵۰، ش ۳۹۰، ص ۳۶۴، ش ۹۸۰، ۹۸۲، ص ۴۶۰، ش ۱۲۵۹، ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۱)، و در برخی از شرح‌حاله‌ها نیز ارجاع ضمیر نشان از افتادن نام کتاب دارد (مثلاً ص ۱۲۴، ۱۵۹، ۱۶۵). در مواردی هم این احتمال هست که چون نام این راویان در منابع نجاشی همچون کتاب ابن‌بُطّه قمی* (سدهٔ چهارم) و فهرست حُمَیدبن زیاد* (متوفی ۳۱۰) ذکر شده، نجاشی تمایل داشته‌است همهٔ اطلاعات این کتابها را در اثر خود منعکس کند (ص ۲۸، ش ۵۵، ص ۷۳، ش ۱۷۴، ص ۴۵۷، ش ۱۲۴۱-۱۲۴۶)، و به‌ویژه ص ۱۲۵، ش ۳۲۴).

دربارهٔ واژهٔ شیعه در عنوان رجال نجاشی باید گفت این نام نه به معنای رایج و کنونی این واژه، یعنی شیعهٔ امامی اثناعشری است، و نه به معنای گستردهٔ آن در مقابل واژهٔ «عامه» به کار رفته، بلکه مراد از آن، معنایی مرادف با «اصحابنا» است که بیش از سیصد بار در کتاب ذکر شده‌است و موارد کاربرد آن نشان می‌دهد که رجال زیدیه از دایرهٔ شمول آن خارج‌اند؛ لذا «اصحابنا» و زیدیه‌گاه در مقابل هم ذکر شده‌اند (ص ۹۵، ش ۲۳۳)، و برای گرویدن یک راوی زیدی به مذهب شیعهٔ امامی تعبیری نظیر «انتقل الینا» به کار رفته‌است (ص ۱۷، ۳۷۵) و حتی سخن گفتن دربارهٔ یک راوی زیدی در این کتاب نیازمند توجیه بوده و مثلاً نجاشی (ص ۹۴) در شرح‌حال ابن‌عقدهٔ زیدی جارودی (متوفی ۳۳۲ یا ۳۳۳) توضیح داده که ارتباط عمیق او

(۲۷۱) تاریخ دقیق وفات وی ذکر شده و بر اینکه نجاشی خود با کمک دیگران عهده‌دار غسل وی بوده، تأکید شده است؛ از این رو، برای هماهنگی بین این دو گزارش، گفته شده که آغاز تألیف آن در زمان حیات سیدمرتضی بوده، اما در هنگام نگارش شرح حالش وی از دنیا رفته بوده است (به ادامه مقاله). در این باره باید گفت دلیلی در دست نیست که مراد از «السید الشریف» در مقدمه کتاب، سیدمرتضی باشد (به ادامه مقاله). به علاوه از ظاهر مقدمه چنین برمی آید که پس از تألیف کتاب نگارش یافته، و تنها چند برگ نخست کتاب با عنوان «ذكر الطبقة الاولى» که درباره نخستین پدیدآورندگان از سلف صالح است، پس از نگارش مقدمه افزوده شده است. بنابراین اگر فرض کنیم که کتاب به امر سیدمرتضی نگارش یافته است، عبارات راجع به وفات او را باید از افزوده‌های مؤلف پس از تألیف دانست.

علامه بحر العلوم (ج ۲، ص ۴۶-۴۷) تألیف رجال نجاشی را پس از تألیف فهرست و رجال شیخ طوسی دانسته است، زیرا نجاشی (ص ۴۰۳)، شرح حال شیخ طوسی را آورده و از دو کتاب یاد شده در کنار دیگر کتب او نام برده است؛ افزون بر این، مراد از «بعض اصحابنا» در بسیاری از مواضع رجال نجاشی، نیز شیخ طوسی است، و حتی در شرح حال ابن بابویه، از فهرست طوسی نام برده شده است. گفتنی است که نکته اخیر الحاقی است و در نسخه‌های اصیل رجال نجاشی (چاپ شبیری زنجان، ص ۳۸۹-۳۹۲، قس چاپ نائینی، ج ۲، ص ۳۱۱) نیامده است (نیز به شوشتری، ج ۱، ص ۵۲۱؛ مامقانی، ج ۶، ص ۳۵۸).

با دقت در رجال نجاشی و مقایسه آن با فهرست طوسی روشن می‌گردد که نجاشی در بخش اول رجال از فهرست طوسی بسیار بهره گرفته است و چنان‌که گفته شد در مواردی نیز از طوسی با عبارت بعض اصحابنا یاد کرده است (به ادامه مقاله). با این حال، دلیلی بر اینکه نجاشی از رجال طوسی مطلبی آورده باشد، وجود ندارد؛ همچنان‌که شاهد روشنی بر اینکه رجال نجاشی قبل از رجال طوسی نگارش یافته باشد در دست نیست. به هر حال، با توجه به اینکه تاریخ تألیف فهرست و رجال طوسی دانسته نیست، تاریخ تألیف رجال نجاشی را نمی‌توان براساس آن دو کتاب تعیین کرد.

برای تعیین تاریخ تقریبی تألیف رجال نجاشی، آخرین تاریخ‌هایی را که در آن ذکر شده است می‌توان استقصا کرد. این تاریخها عبارت‌اند از: ۴۱۳، سال وفات شیخ مفید (ص ۲۷۰، ۴۰۲)؛ ۴۱۸ (ص ۶۹)؛ ۴۱۹ (ص ۴۰۳)؛ ۴۳۶ (ص ۲۷۱)؛ و ۴۶۳، سال وفات ابو یعلی جعفری (ص ۴۰۴) که سیزده سال پس از وفات نجاشی (۴۵۰) به علامه حلی، ص ۵۰ بوده و از همین رو از بحث‌انگیزترین مباحث درباره رجال نجاشی است و

آرای چندی درباره آن مطرح شده است (به شبیری زنجان، ج ۱، ص ۷۸-۱۰۹). بنابر یک نظر، عبارت یاد شده از سهو ناسخان سرزده و به دو گونه تصحیح پذیر است (به تفرشی، ج ۴، ص ۱۷۴، پانویس ۱). بنابر نظر دیگر، این عبارت از مطالب الحاقی است که شخصی جز مؤلف آن را به نسخه رجال افزوده است (آقابزرگ طهرانی، ج ۲، ص ۱۵۹؛ همو، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۷۷). شوشتری (ج ۱، ص ۵۲۰-۵۲۱، ج ۹، ص ۱۹۵-۱۹۶) آن عبارت را اصیل و از خود مؤلف و کلام علامه حلی را نادرست دانسته و اظهار کرده که احتمالاً دو تاریخ مذکور در خلاصه الاقوال (سال ۳۷۲ و ۴۵۰)، سال ولادت و وفات ابوالعباس احمد بن نوح بوده و علامه حلی به اشتباه آن را درباره ابوالعباس نجاشی دانسته است. سیدموسی شبیری زنجان در مقاله «ابوالعباس نجاشی و عصر وی» (به همانجا) این آرا را به تفصیل ارزیابی و دلایل الحاقی بودن عبارت پیش گفته را بر شمرده است. او درباره نظر شوشتری توضیح داده است که با توجه به شباهت بسیار دو عنوان ابوالعباس احمد بن نوح بن علی بن عباس بن نوح سیرافی و ابوالعباس احمد بن علی بن عباس نجاشی، و به خصوص با عنایت به قاعده اختصار در نسبت دادن به جد که نام این دو تن را مشابه یکدیگر می‌سازد (ابوالعباس احمد بن عباس)، امکان خلط این دو نفر با یکدیگر وجود دارد، اما بررسی اسناد و گزارشهای راجع به حیات ابن نوح سیرافی* نشان می‌دهد که وی سالها قبل از ۳۷۲ به دنیا آمده و سالها قبل از ۴۵۰ درگذشته است. بر این اساس، دلیلی بر نادرستی قول علامه حلی درباره ولادت و وفات نجاشی نداریم و باید آن را پذیرفت (برای تفصیل ادله به همانجا). این نکته را هم می‌افزاییم که وفات نجاشی در الوافی بالوفیات صفدی (ج ۷، ص ۱۸۷) نیز در ۴۵۰ در مطهرآباد دانسته شده که منبع آن غیر از خلاصه الاقوال علامه حلی است.

در مقاله یاد شده همچنین نشان داده شده است که تاریخ وفات ابو یعلی جعفری ظاهراً همان سال ۴۶۳ است و عبارت «مات رحمه الله... سنة ثلاث و ستين و اربعمأة...» از خطوط الحاقی در نسخه‌های موجود رجال نجاشی است که پس از وفات نجاشی وارد متن رجال شده است.

انگیزه و سبب تألیف. رجال نجاشی به انگیزه دفاع از کبان تشیع و برای روشن ساختن اصالت این مذهب و پیشینه تاریخی و فرهنگی آن نگارش یافته است. در سرآغاز کتاب (ص ۳)، مؤلف با اشاره به سخن شخص ارجمندی که از او با عنوان «السید الشریف اطال الله بقاءه و ادام توفيقه» یاد کرده، نوشته است که گروهی از مخالفان در تحقیر شیعه گفته‌اند «لا سلف لكم و لا مصنف» (شما نه عقبه‌ای دارید و نه نوشته‌ای) و رجال نجاشی پاسخی است به این سخن ناآگاهانه (برای

به کار رفته، بیانگر «منازل» اشخاص است؛ با این ملاحظه که گاهی این منزلت نزد طایفه‌ای خاص، مثلاً واقفه، بوده است (ص ۳۶، ۳۸، ۱۳۲). ذکر فقها و متکلمان (بیش از پنجاه مورد) و دیگر دانشمندان را نیز می‌توان از منظر همین هدف نجاشی توضیح داد.

نجاشی در رجال به یادکرد نسبت قبیل‌های اشخاص اهتمام ویژه دارد. برخی از اشخاص عرب اصیل بوده‌اند که با واژه‌های عربی (بیش از سی بار) «صلیب» (ص ۷۲، ۱۸۷) و «صمیم» (ص ۳۰۹-۳۱۰) بدان اشاره شده‌است. واژه «مولی» نیز در این کتاب پربسامد است (بیش از دویست بار) و مراد از آن عضویت الحاقی به یک قبیل‌ه است که غالباً بر آزادشدن فرد یا یکی از اجداد او به دست یکی از افراد آن قبیل‌ه دلالت دارد، و گاهی فرد به همان شخص آزادکننده منسوب می‌شود. در مواردی نیز پس از ذکر نسبت قبیل‌ه‌ای، تعبیر «مولا هم» (بیش از هشتاد بار) آمده‌است؛ این تعبیر فقط یک‌بار در فهرست طوسی (ص ۴۷) و برگرفته از آن در نجاشی، (ص ۱۳) به کار رفته‌است. موارد تصریح شده به کلمه مولی در فهرست طوسی بیشتر در باب الف و بسیار کمتر از رجال نجاشی است. این تفاوت بارز نشانه تفاوت روش دو کتاب و گرایش نسب‌شناسانه نجاشی است؛ گرایشی که طوسی نیز در آغاز تألیف فهرست داشته، اما برای تسریع در کار آن را رها کرده‌است. ضمن آنکه ممکن است این تفاوت به تفاوت منابع دو مؤلف نیز بازگردد.

تمایل نجاشی به انساب و آگاهی وی از علم انساب، به‌ویژه با توجه به تألیف کتاب انساب بنی‌نصرین قعین (ص ۱۰۱)، نصرین قعین نیای پانزدهم نجاشی است)، سبب شده‌است که گاه نسب راوی را تا یعرب‌بن قحطان برساند (ص ۳۹۹، ذیل نام شیخ مفید که در آن نسب او تا ۳۶ نسل قبل آمده‌است و از اهمیت‌دادن به شخصیت وی حکایت می‌کند). نجاشی (ص ۱۰۱) نسب خود را نیز با ۲۹ واسطه تا معدبن عدنان نام برده‌است. در برخی شرح‌ها نسب راوی با ذکر نامهای بسیار تا بنیان‌گذار قبیل‌ه (أزد، بکر، کلب و مانند آن) ادامه یافته‌است (ص ۱۲۴، ۳۹۶، ۴۳۴). نسب سادات نیز تا امامان علیهم‌السلام و غالباً تا امیرمؤمنان علیه‌السلام رسانده شده‌است (ص ۶۴، ۲۷۰، ۳۹۸). یک سلسله‌نسب جالب توجه در این کتاب، نسبی است با ده نام که پنج نام پایانی آن ایرانی است (ص ۳۸۵).

مهم‌ترین هدف رجال نجاشی پس از یادکرد مصنفان و تصنیفات ایشان، نقل مدح و ذم آنان است (مثلاً ص ۲۱۱: ما قیل فی کل رجل منهم من مدح أو ذم). پربسامدترین واژه دارای بار معنایی رجالی واژه «نقه» است (بیش از پانصد بار) که گاهی با تعبیری چون «فی حدیثه» و «فی الحدیث» همراه است. در

موردی مشابه در دهه‌های اخیر «الذریعة الی تصانیف الشیعة» (*).

برخی مراد از «السید الشریف» را در عبارت پیش‌گفته، سیدمرتضی علم‌الهدی دانسته‌اند (خوانساری، ج ۱، ص ۶۲؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۵۵؛ قس موحدابطحی، ج ۱، ص ۷۹)، اما هرچند این فرد، شخصیت بزرگی بوده و برای تألیف کتاب طرحی داده و محدوده آن را مشخص ساخته و نجاشی (همانجا) نیز امیدوار بوده‌است که کتابش مطابق آن طرح باشد، دلیلی در دست نیست که او سیدمرتضی باشد، و حتی شاید دعای ذکرشده درباره این شخص درخور مقام رفیع علمی سیدمرتضی نباشد (قس سخن نجاشی، ص ۲۷۰-۲۷۱، درباره سیدمرتضی). به هر حال، انگیزه تألیف کتاب سبب شده‌است که به هرگونه فعالیت فرهنگی و علمی مرتبط با مقوله تألیف و تصنیف توجه شود و همه مرتبطان با مذهب شیعه در محدوده این کتاب قرار گیرند.

اهداف تألیف. در عنوان فرعی کتاب به اهداف تألیف آن به این شکل اشاره شده‌است: ذکر آثار پدیدآورندگان، همراه با دانسته‌هایی در باب کنیه و لقب ایشان، یادکرد منازل و انسابشان و سخنانی که در مدح یا ذمشان گفته شده‌است. لقب راوی غالباً بیانگر انتساب فرد به قبیل‌ه (اعم از اصلی و الحاقی) — ادامه مقاله)، شهر یا روستا (ص ۲۷۶)، شغل او همچون خراز و طحان (ص ۲۰، ۲۳)، ویژگی علمی و فرهنگی وی همچون نسب‌شناس و ادیب (ص ۴۳۴، ۷۰)، اوصاف فردی وی همچون ضریب و أحول (ص ۲۵، ۵۰، ۱۲۰)، اشاره به شرافت نسب او همچون شریف (ص ۶۵)، و اوصاف خاص او همچون فارس و فاتک (ص ۹) است. مؤلف برای شناساندن راوی به ذکر شهرت وی به یک نام خاص توجه کرده‌است که غالباً در آن لقب راوی، یا نام پدرش (ابن‌فلان) و گاهی برادرش (ص ۱۰۳) یا برادرزاده‌اش (ص ۶۴)، یا اسم راوی به لهجه محلی (ص ۲۶۰، ۳۴۱) دیده می‌شود و با عبارت «المعروف» یا «یُعرف» بیان شده‌است.

مراد از «منازل» راویان در سخن نجاشی، منزلت اجتماعی یا فرهنگی یا علمی یا موقعیت آنها نزد امامان علیهم‌السلام است. نجاشی به ریاست و امارت شخص در شهر محل سکونت (ص ۸۲، ۳۷۱) یا در میان قبیل‌ه‌اش (ص ۱۲۴، ۴۲۰)، جلالت دینی و دنیایی فرد در تراز وزرا (ص ۳۱)، حرمت داشتن او در نزد سلطان (ص ۳۳۸، ۳۹۳)، جایگاه بلند علمی و منزلت والای او در علم و دین و دنیا (ص ۳۸۲) و منزلت درخور توجه او نزد امامان (ص ۱۰، ۷۵، ۱۵۶، ۱۹۷) و مانند آنها اشاره کرده‌است. عبارتهایی چون «عظیم‌المنزلة»، «جلیل»، «جلیل فی أصحابنا»، و بیش از همه عبارت «وجه» و مشتقات آن که بیش از هشتاد بار

برخی موارد نیز عبارتی به کار رفته که نشانه انحراف مذهبی فرد است (مثلاً ص ۷۸، ۱۸۱، ۱۹۴، قس ص ۲۰۸، ۲۳۲). نجاشی درباره برخی راویان توضیح داده که خودشان ثقة بوده‌اند (ثقة فی نفسه)، اما از راویان ضعیف روایت کرده‌اند (مثلاً ص ۶۲، ۷۶). این گونه توضیحات نشان می‌دهد که بسیار روایت کردن از راویان ضعیف روشی نامتعارف بوده، و بنابراین روایت بسیار غالب راویان از یک راوی بر وثاقت او نزد ایشان دلالت دارد (نوری، ج ۷، ص ۹۸-۹۹). تعبیرات مدح‌آمیز دیگری نیز پس از ثقة ذکر شده‌است، مثل صحیح‌الحديث، وجه، جلیل، صدوق و بیش از همه کلمه «عین» (بیش از پنجاه بار). گفتنی است، کاربرد عبارت «ثقة عین» از اواخر جزء اول (ص ۱۹۵) آغاز شده و به تدریج افزایش یافته‌است که می‌توان آن را قرینه‌ای بر آن دانست که کتاب به همین ترتیب موجود و به تدریج نگارش یافته‌است. «ثقة ثقة» (۳۴ بار) نیز تعبیری درخور دقت است؛ برخی کلمه دوم را «ثقة» و از باب اتباع دانسته‌اند (کلباسی، ج ۱، ص ۱۰۷)، اما به نظر می‌رسد، ثقة برای تأکید بر وثاقت تکرار شده‌است (به‌ویژه ابن داوود حلی، ستون ۳۸۲-۳۸۳). به هر حال، این تعبیر در فهرست طوسی به کار نرفته‌است و کاربرد آن در رجال وی نیز ثابت نیست (قس طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۹۳)، اما در چند مورد از رجال ابن غضائری* به کار رفته (نجاشی، ص ۷۷؛ ابن داوود حلی، ستون ۳۸۳) و شاید نجاشی در به‌کارگیری آن از ابن غضائری پیروی کرده که سخنانش مورد استناد نجاشی بوده‌است (ادامه مقاله).

ابن داوود حلی (ستون ۳۸۷-۳۸۸) موارد کاربرد تعبیر خاص، مانند «قریب‌الأمر»، «لیس بذاک»، و «لا یأس به» در رجال نجاشی را فهرست کرده‌است. این عبارتها چندان روشن نیست، و دو عبارت نخست از عبارتهای اختصاصی نجاشی است و به این شکل در دیگر کتابهای رجالی نیامده‌است (قس طوسی، ۱۴۲۰، ص ۶۱، ۲۷۲). تعبیر «قریب‌الأمر» معمولاً از الفاظ مدح و گاه تعدیل دانسته شده‌است (شهیدثانی، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۳۵؛ شیخ بهائی، ص ۵۴۵؛ بصری، ص ۳۷؛ میرداماد، ص ۱۰۳؛ محمدتقی مجلسی، ج ۱۴، ص ۶۱)، اما برخی آن را از الفاظ مدح نمی‌دانند (به بهائی، ۱۴۰۴، ص ۳۶؛ کنی، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ نراقی، ص ۳۲؛ برای بررسی بیشتر به علامه حلی، ص ۱۴۵؛ شهید اول، ج ۳، ص ۴۵۴؛ محمدباقر مجلسی، ج ۵۶، ص ۸۸). عبارت «لیس بذاک» نیز که برخی آن را از الفاظ ذم و جرح شمرده‌اند (شهیدثانی، همانجا؛ مازندرانی حائری، ج ۱، ص ۱۱۵ و پانویس ۱)، به نظر برخی دیگر، مدح راوی را افاده می‌کند (به بهائی، ۱۴۰۴، ص ۴۳). نجاشی گاهی ضمن یادکرد یک مؤلف، دیگر افراد ثقة خاندان وی را، به‌ویژه کسانی که راوی حدیث بوده‌اند، نیز معرفی کرده‌است، مثل پدر

(ص ۴۹)، پدر و جد (ص ۳۰)، پدر و عمو (ص ۳۶۲)، برادر (ص ۷۳، ۱۴۳)، برادران (ص ۱۱۰)، عموها (ص ۲۷)، دایه‌ها (ص ۱۳۵)، و عمه (ص ۱۰۸). از تضعیف دیگر افراد خاندان راوی یا اشاره به انحراف مذهبی ایشان نیز نمونه‌هایی می‌توان یافت (ص ۳۸، ۱۸۰). گاهی نیز خاندان راوی به‌طور کلی توثیق شده‌اند (ص ۲۷، ۲۳۱).

توثیق ضمنی افراد گاهی عبارت نجاشی را مبهم کرده و تشخیص اینکه این توثیق به شخص اصلی بازمی‌گردد یا به شخص یا اشخاصی که در ضمن معرفی شده‌اند، دشوار است (برای نمونه ص ۵۲، ش ۱۱۶؛ نیز ص ۱۴۳، ح ۱، ص ۱۱۴؛ محمدبن حسن بن زین‌الدین، ج ۱، ص ۱۴۳؛ خویی، ج ۴، ص ۳۸۲-۳۸۳؛ برای نمونه دیگر ص ۲۵۷؛ ص ۳۳۹، ش ۹۰۶؛ نیز ص ۱۳۸۰-۱۳۷۹، ش ۲، ص ۱۰۵۷؛ محمدبن حسن بن زین‌الدین، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۱، ج ۳، ص ۱۱۱). گفتنی است که نجاشی در ساختار نگارش عربی، عطف به ضمیر مرفوع مستتر را جایز دانسته (شوشتری، ج ۱، ص ۳۵)، و بنابراین عبارت «ثقة و أخوه» را به کار برده‌است (برای نمونه ص ۵۳، ۴۳۷، ۴۴۵، قس ص ۶۱، ۷۲، ۱۲۶، نیز ص ۲۱؛ ثقة هو و اخوه). ناآشنایی با این سبک نگارش گاهی منشأ غفلت از توثیق ضمنی شده‌است (شوشتری، همانجا؛ برای مواردی دیگر از این سبک ص ۹۶، ۱۱۰).

نجاشی بیش از پنجاه بار واژه «ضعیف» را که گاهی افزوده‌ای نیز دارد، به کار برده‌است. این تعبیر را معمولاً دلیل بر ضعف راوی دانسته‌اند (شهیدثانی، ۱۳۸۲ ش، همانجا؛ میرداماد، ص ۱۰۳؛ قس بهبهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷؛ کلباسی، ج ۲، ص ۴۵۱)، اما عبارت «ضعیف فی الحدیث» یا «ضعیف الحدیث» به باور بسیاری از محققان، لزوماً مورد اعتماد نبودن راوی را نمی‌رساند، بلکه ممکن است به معنای رعایت نکردن اصول صحیح حدیث از سوی راوی باشد و به ضعیف بودن مشایخ وی بازگردد (موسوی عاملی، ج ۱، ص ۲۵۳؛ بهبهانی، ۱۴۰۴، همانجا؛ نجفی، ج ۱۴، ص ۳۳۸). لذا با توثیق راوی تعارض ندارد. در این میان، بیش از بیست بار عباراتی نظیر «ضعیف جداً» یا «کذاب» به کار رفته‌است (مثلاً ص ۲۲۸، ۲۵۱)، و بررسی این موارد نشان می‌دهد که بیشتر این افراد صریحاً غالی خوانده شده‌اند یا نسبت غلو درباره ایشان مطرح بوده‌است. البته، نجاشی در نسبت دادن غلو به راویان در بسیاری از موارد تردید کرده و این نسبت را با عباراتی همچون «قیل» همراه ساخته‌است (مثلاً ص ۲۴، ۳۳۷، ۴۱۶). این روش نشان می‌دهد که هرچند مسئله غلو از دغدغه‌های مهم نجاشی بوده، وی به سادگی انتساب افراد به غلو را

است، اما به اقتضای مناسبات آنان با شیعیان، و اقتضای مطلب ذکر شده‌اند؛ مثلاً در یک جا نجاشی (ص ۴۴۰) اشاره کرده که یک راوی به انگیزه تقریب به برخی زیدیان کتابی نگاشته و امامان را سیزده تن (دوازده امام با زیدبن علی) معرفی کرده‌است. زیدیان هدایت یافته به مذهب امامیه نیز در رجال نجاشی (ص ۱۷، ۳۷۴) ذکر شده‌اند. مؤلف به توبه برخی واقفیان (ص ۳۰۰) یا شک و تردید ایشان در این اعتقاد (ص ۲۱) اشاره کرده و در جایی (ص ۲۳۲) گفته‌است که شخص معرفی شده در بیشتر عمر خود واقعی و آمیخته با ایشان بوده و سپس به مذهب امامیه گراییده، اما بزرگان شیعه او را طرد کرده‌اند؛ گویا ایشان بازگشت وی به تشیع را باور نداشته‌اند. برخی اشخاص در ابتدا از اهل سنت بوده و سپس به تشیع گرویده‌اند (ص ۳۵۰)؛ برخی معتزلی بوده و شیعه شده‌اند (ص ۲۶۹، ۳۷۵، ۳۸۱)، که البته گاهی با ثبات نداشتن در مذهب تشیع همراه بوده‌است (ص ۴۰۳)؛ نومسلمان بودن یک فرد یا خاندان وی (ص ۲۵۳، ۳۷۹) نیز در این کتاب یادآوری شده‌است.

نجاشی افزون بر نکات پیشین، به نکات دیگری هم توجه کرده‌است؛ مهم‌ترین آنها بیان طبقه راویان و مصنفان است که در بحثهای مختلف رجالی همچون کشف سقط در اسناد، «تمیز مشترکات» و «توحید مختلفات» اثرگذار است. طبقه راوی با بررسی همه یا برخی از موارد ذیل تعیین می‌شود: روایت راوی از معصوم علیه‌السلام که در بیشتر شرح‌حاله‌های وی از آن یاد شده، اما گاهی رد شده (ص ۳۲۰) یا در آن تردید شده (ص ۲۰۰) و به اثبات نشدن آن اشاره رفته‌است (ص ۱۴۴، ۲۱۴)؛ شاگردان و مشایخ یک فرد، تاریخ وفات، به تنهایی، یا همراه با ذکر تاریخ ولادتش (ص ۸۳)؛ مدت دقیق یا تقریبی عمر راوی (ص ۱۲۲، ۲۴۹)؛ وفات راوی در عهد یکی از امامان معصوم (ص ۱۷۱)، و نقد گزارشهایی از این دست (ص ۱۹۴)؛ اشاره به اختلاف در تاریخ وفات راوی (ص ۷۷، ۱۷۸)؛ وفات راوی در جوانی (ص ۷۶، ۲۶۲)؛ و شناخت راویان معمر (دوازده مورد، از جمله ص ۲۲، ۴۷).

نجاشی ذیل نام اشخاص، گاهی ماجراهای جالب توجهی از زندگی آنان را نقل کرده (ص ۶-۴، ۳۶-۳۴)، یا احادیث خاصی را که ایشان روایت کرده‌اند، درج نموده‌است (مثلاً ص ۹، ۴۰-۳۹)؛ گاهی حکایتی مرتبط با شخص معرفی شده را به اجمال نقل کرده (ص ۱۴۲، ۳۳۲، ۴۲۴)، و به ویژه به ذکر ماجراهای مهم که ارزش رجالی دارد، توجه داشته‌است؛ مثلاً واقعه زندانی شدن ابن ابی عمیر (متوفی ۲۱۷) و از بین رفتن کتابهای او و روایت احادیث به مدد حافظه و به صورت مُرسَل و اعتبار یافتن این مراسیل (ص ۳۲۶). این مطالب بر ارزش کتاب نجاشی افزوده‌است.

نمی‌پذیرفته و در این خصوص با احتیاط رفتار می‌کرده‌است. واژه‌هایی چون غلو، ارتفاع، ترفع، تخلیط، اضطراب، فساد مذهب و مشتقات آنها بیشتر با غلو و مراتب آن ارتباط دارد و غالباً به متن‌شناسی کتابهای مؤلفان مذکور در رجال مستند بوده‌است؛ از این رو، نجاشی در مواردی که با بررسی متنی کتابهای یک شخص، مفاهیم غلوآمیز در آنها نیافته، نسبت دادن غلو به آنان را با تردید یا انکار نگریسته‌است (ص ۳۸، ۲۵۵، ۳۸۴). راویانی که نخست روش صحیح داشته و سپس منحرف شده‌اند نیز از دید نجاشی دور نمانده‌اند (برای نمونه ص ۲۰۸)؛ البته گاهی گزارش انحراف یافتن راوی در نزد وی به اثبات نرسیده‌است (ص ۳۸، ۴۴).

محمدبن حسن بن ولید قمی (متوفی ۳۴۳)، شیخ قمیان، پس از بررسی نوادر الحکمه که از کتب مرجع شیعه پیش از کتب اربعه بود (ص ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴-۳)، روایت‌های افراد بسیاری را استثنا کرد و از نقل آنها خودداری ورزید که «مستثنیات ابن ولید» نام گرفت (ص ۳۴۸). در فهرست طوسی (ص ۴۱۰) این استثناها به نقل از محمدبن علی بن بابویه، معروف به شیخ صدوق، و با عنوان «الا ماکان فیه من تخلیط» آمده که حاکی از پیروی کامل صدوق از استادش ابن ولید است (نیز ص ۳۴۸). همانجا درباره پیروی ابن بابویه از ابن ولید (ص ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۰) هم، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۸)؛ اما نجاشی در مواردی این نظر را نپذیرفته و ضمن نادرست خواندن استثنا کردن بعضی از راویان حتی از وثاقت و جلالت آنان سخن گفته‌است (مثلاً محمدبن عیسی بن عبید؛ ص ۳۳۳-۳۳۴). برخی از راویان به گفته نجاشی (ص ۳۷-۳۸) با وجود ضعیف بودن «کتاب حسن» داشته‌اند. در مورد برخی دیگر، پس از نقل تضعیف یک راوی و متهم شدن او به غلو، کتابهای وی را با تعبیر «صحیح‌الحديث» ستوده (ص ۴۲) که احتمالاً حاکی از دفاع نجاشی از آن راوی و به معنای انکار و دست‌کم تردید در ضعف اوست. دفاع نجاشی از راویان و مصنفان در برابر نسبت تضعیف، در مواردی دیگر هم دیده می‌شود (مثلاً ص ۳۲۹). البته، او گاهی به اعتقادات نادرست یک شخص همچون اعتقاد به قیاس (ص ۳۸۸)، جبر و تشبیه (ص ۳۷۳)، نیز (ص ۳۲۹)، و آموزه معتزلی و عید (ص ۳۸۱) نیز اشاره کرده‌است.

نجاشی به انحراف اعتقادی راویان و مؤلفان شیعه نیز توجه کرده‌است؛ بیش از سی تن واقعی، چهار تن فطّحی (که دو تن آنها سرانجام هدایت شده‌اند؛ ص ۳۵، ۲۵۲) و یک تن متهم به کِسّانی بودن (ص ۲۳۷) در این کتاب معرفی شده‌اند. علاوه بر ایشان، بیست تن از پیروان مذهب اهل سنت و هفت تن زیدی مذهب نیز معرفی شده‌اند که از موضوع اصلی کتاب خارج

نجاشی خصوصیات راوی را گاهی با سند نقل کرده (ص ۲۰۷، ۳۲۸)، که از آن جمله است ماجرای شنیدنی ورود حضرت عبدالعظیم به ری (ص ۲۴۷-۲۴۸). این گونه اطلاعات رجال نجاشی را از قالب یک کتاب رجالی صرف خارج ساخته و آن را در زمره کتب تراجم قرار داده است. نقل مناظره مطایبه آمیز مؤمن الطاق، از اصحاب امام صادق، با ابوحنیفه (ص ۳۲۶)، معجزه ای از امام هادی علیه السلام (ص ۴۱)، داستانی از تقوا و عبادت صفوان بن یحیی (ص ۱۹۷)، گوش سپردن پنهانی هارون الرشید به عبادت ثعلب بن میمون و ستایش او (ص ۱۱۸)، و مطالبی از این دست، جذابیت خاصی به این کتاب داده است.

در رجال نجاشی مکان وفات راویان (در بیش از سی مورد) به تنهایی یا همراه با تاریخ وفات آنها ذکر شده است. گفتنی است، در نقلهای نجاشی از کتاب حُمَید بن زیاد اطلاعات افزون تری، از قبیل نام کسی که بر جنازه شخص نماز خوانده و مدفن و زمان و مکان دفن، وجود دارد. به طور کلی، تفاوت های اطلاعات شرح حالهای مذکور در این کتاب، چه بسا ناشی از سبک نگارش منابع آن بوده است؛ و با شناخت سبک نگارش آن منابع می توان در پاره ای از موارد، منبع رجال نجاشی را شناسایی کرد (مثلاً ص ۳۳۷، ش ۹۰۰).

در شرح حال اشخاص به موطن اصلی آنان با عبارتی نظیر «أصله كوفي» (نوزده مورد؛ ص ۱۳، ۱۶) یا «أصله جرجان و سکن اصبهان» (ص ۳۸۰) نیز اشاره شده است؛ اصیل بودن یا مهاجر بودن یک فرد در یک شهر نیز محل توجه بوده و با عباراتی نظیر «بغدادی الاصل و المَقام» (ص ۳۲۶)، و «سکن قم و ليس أصله منها» (ص ۳۴۱، نیز ص ۳۸۳) به آن اشاره شده است؛ از دو یا چند وطن داشتن (ص ۱۳، ۱۸)، نقل مکان از شهری به شهر دیگر (ص ۱۳، ۴۵۷) گاهی با ذکر سبب آن (ص ۱۷) و نقل مکان خاندان و تبار شخص (ص ۶۹، ۴۱۸) نیز یاد شده است. یادکرد تفصیلی خاندان اشخاص و تأکید بر معرفی بیوت (خاندانهای) شیعه (مثلاً ص ۲۷)، به ویژه بیوت راویان حدیث (مثلاً ص ۱۰۸) نیز در مدنظر مؤلف بوده است.

در رجال نجاشی از انواع مختلفی از تألیفات با نامهای کتاب، اصل، مصنف، مسائل، نوادر، نسخه و مجالس یاد شده است. در ۴۵٪ شرح حالها فقط به دارای کتاب بودن شخص (مثلاً لَه کتاب / کُتِب) اشاره شده است که همه یا بیشتر آنها باید مجموعه های حدیثی راویان بوده باشد. در ده مورد، واژه «اصل» دیده می شود (مثلاً ص ۲۵، ۱۰۳)، و گاه تعبیر «کتاب اصل» (ص ۵۱) آمده است که نشان می دهد اصل در تقابل با کتاب نیست. در بیش از سی مورد، عنوان «مسائل» ذکر شده که ناظر به پرسشهای راویان از امامان علیهم السلام و بیش از همه از

امام رضا است. عنوان «نوادر» بیش از ۱۸۰ بار به کار رفته است (کتاب نوادر بیش از ۱۰۰ مورد، نوادر بیش از ۲۰ مورد، النوادر ۵۹ مورد که این تعبیر احتمالاً نام کتاب است، نه گونه ای از تصنیف). ظاهراً کتابهای نوادر، عنوان مجموعه های دربرگیرنده احادیث پراکنده و بی نظمی بوده که همین موجب تبویب برخی از آنها شده است (ص ۱۹۸، ۴۱۲). بیش از هفتاد بار از نسخه و کتابهایی منقول از امامان سخن به میان آمده که بیش از همه از امام صادق است. به روشنی معلوم نیست که آیا این کتابها به دست صاحبان نسخه ها تدوین یافته است، یا آنان متن مدونی را از امامان روایت کرده اند؛ احتمال نخست در بیشتر موارد قوی تر به نظر می رسد، هر چند، در پاره ای موارد احتمال دوم درست است (مثلاً ص ۴۲۶: صحیفه سجادیه، ص ۱۱۶: رساله الحقوق، هر دو از امام سجاد، ص ۲۱۳: رساله امام صادق به عبداللّه بن نجاشی والی اهواز).

کتابها موضوعات متنوعی چون حدیث، فقه، تفسیر، قرائت، علوم قرآنی، تاریخ و سیره، رجال، تراجم، انساب، لغت، صرف، نحو، شعر، اصول فقه، پزشکی، نجوم، کلام، رد بر ادیان و فرق انحرافی و افراد منحرف و مناظرات را دربرمی گیرند. ذکر آثاری در نقد اهل منطق (ص ۶۳)، آیینها و مسئله ابصار (همانجا)، دیرها و معابد (ص ۲۶۴)، منامات (ص ۲۶۵)، مُسند ابوثواس و مجحی و اشعب و بهلول و جَعْفِران (ص ۳۱۰) و آثاری از این دست، نشانه تنوع موضوعی تألیفاتی است که صاحبان شرح حالهای کتاب نجاشی نوشته اند.

نجاشی گاهی انتساب کتاب به یک شخص را انکار یا در آن تردید کرده (مثلاً ص ۱۲۹)، از اختلاف درباره مؤلف یک کتاب (همانجا)، اختلاف نسخه های یک کتاب (ص ۱۶۵)، انتساب کتاب استادی به شاگردش (ص ۲۱۶، ۳۶۲)، وجود تردید درباره تألیف کتاب به دست استادی یا شاگردش (ص ۱۲۶)، و افزوده های شاگرد در کتاب استاد (ص ۲۳۵، ۲۸۷، ۳۱۶) سخن گفته است که به شناسایی دقیق مؤلف مدد می رساند. او در تأیید یا تضعیف کتابها نیز اظهار نظر کرده با عباراتی چون: بی نظیر (ص ۹۶-۹۷، ۲۷۰، ۳۷۴، ۳۷۹)، بزرگ ترین در موضوع خود (ص ۲۶۴)، بسیار سودمند (ص ۳۷، ۳۹-۴۰، ۹۳)، عرضه شده بر امام و تقدیر امام از آن (ص ۲۳۱)، صحیح بودن کتابهای مؤلف به جز یکی از آنها (ص ۳۲۹)، معجول بودن کتاب (ص ۲۵۸) و نادرست بودن بیشتر مطالب کتاب (ص ۲۳۴). توضیح درباره اندازه کتابها با ذکر تقریبی صفحات آنها (ص ۹۷)، یا با وصف کوچک یا بزرگ بودن آنها (ص ۱۷، ۴۹، ۵۷) و نقل این اوصاف از دیگران (ص ۲۶۳، ۳۷۹، با عبارت قیل)، از دیگر نکات درخور توجه در اثر نجاشی است. او درباره عبدالملک بن عتبه یادآوری کرده که کتاب

نجاشی غالباً پس از ذکر کتاب یا کتابهای مؤلفان، طریق خود را به ایشان ذکر کرده است. در مقدمه کتاب (ص ۳) و نیز در برخی از شرح‌ها اشاره شده است که تنها یک طریق (ص ۱۱۶، ۱۲۷)، یا یک یا دو طریق (ص ۱۲۷) یا برخی از طریقها را ذکر می‌کند تا کتاب حجیم نشود، چون غرض اصلی کتاب ذکر طریق نیست. طریق یا طرق نجاشی به این کتابها نشان‌دهنده آن است که او آن آثار را به یکی از راههای معروف سماع، قرائت، اجازه، مناوله و جز آن تحمل (شنیدن و فراگرفتن حدیث) کرده است. عبارت «أَخْبَرَنَا بَكْتَابَه» به معنای آگاهی دادن از انتساب یک یا چند کتاب به مؤلف آن نیست، هرچند از بسیاری شرح‌ها برمی‌آید که نجاشی از همین طرق به نام کتابهای مؤلفان دست یافته و به همین دلیل گاه انتساب کتاب به یک مؤلف فقط در ضمن طریق آمده (نزدیک به شصت مورد)، و بیش از پنجاه مورد، و دست‌کم برای برخی از کتابها طریق اختصاصی ذکر شده است (مثلاً ص ۸، ۱۱، ۱۸، ۴۱۱). در عین حال، در برخی از شرح‌ها نیز کتابهای مؤلف به استناد گفتار کسی نام برده شده که نامش در ضمن طریق نیامده است (ص ۷۷، ۱۲۱). طریق به کتابها لزوماً به این معنا نیست که نجاشی کتاب را دیده، زیرا ممکن است طریق به روش اجازه عام و بدون در اختیار گذاشتن نسخه باشد. لذا در موارد بسیاری با آنکه نجاشی به رؤیت نکردن کتاب تصریح کرده، طریق به آن را با عبارت «أَخْبَرَنَا» آورده است (مثلاً ص ۹۷، ۲۳۵، ۲۴۴). در موارد نه چندان اندکی بدون ذکر طریق، فقط به بیان انتساب کتاب به مؤلف بسنده شده است؛ بسیاری از این مؤلفان (حدود ۱۵۰ تن) متکلم و ادیب بوده‌اند که به یادکرد چگونگی دستیابی به کتابهایشان چندان نیاز نبوده است. درباره برخی معاصرانش هم نجاشی با تصریح به مؤلف بودن ایشان و به رغم ملاقات با آنها (ص ۶۵، ۷۴)، به دلیل اخذ نکردن حدیث از ایشان (ص ۲۳۰، ۳۹۷)، طریقی به کتابهای آنها ذکر نکرده است. نجاشی در شرح حال ابوالفضل شیبانی (ص ۳۹۶) و ابن عیاش (ص ۸۶) تصریح کرده که با وجود سماع بسیار حدیث از ایشان، به دلیل اینکه مشایخ آنها را تضعیف کرده‌اند، از روایت مستقیم از آنان خودداری کرده است. مراد از این سخن روایت با عباراتی همچون «أَخْبَرَنِي» و «حَدَّثَنِي»، «قال لي» و «سَمِعْتُ» است که نشان از تحمل مستقیم حدیث دارد (خویی، ج ۱۶، ص ۲۴۴، قس ج ۲، ص ۲۸۸-۲۸۹)؛ لذا مطالب این اشخاص را با واژه «قال» و «رَوَى» آورده است (برای نمونه ص ۳۹، ۵۱، ۱۳۲، ۱۶۶). درباره برخی از افرادی که نجاشی آنها را درک کرده، اما موفق به اخذ اجازه از آنها نشده است نیز این‌گونه تعبیرات دیده می‌شود (ص ۳۹۷ ش ۱۰۶۲، قس ص ۸۴، ش ۲۰۲، ص ۱۸۴، ش ۴۸۵). تأمل در تعبیرات رجال نجاشی نشانه دقت

منسوب به وی از او نیست بلکه از شخصی همنام اوست (ص ۲۳۹). نجاشی برای بیان اعتبار کتاب یا کتابهای یک مؤلف از تشبیه آنها به آثار مشهور و معتبری چون کتابهای حسین بن سعید (ص ۲۵۳، ۲۶۲)، کتاب ابن خائبه (ص ۲۵۵)، مشیخه حسن بن محبوب (ص ۱۱۹)، و کتاب حلبی (ص ۳۶۶) بهره گرفته است. آثاری که به اشتراک نوشته شده، ذیل شرح حال یکی از دو مؤلف (ص ۲۴-۲۵)، یا هر دو مؤلف (ص ۱۳۶، ۴۲۰) آمده و گاهی ذیل نام یکی از دو مؤلف هر دو را شناسانده است (برای نمونه ص ۵۸-۶۰: حسن بن سعید اهوازی و برادرش حسین بن سعید). نجاشی در مواردی که خود، کتابهای فردی را ندیده (ص ۱۵، ۴۸، ۸۷-۸۸)، یا فقط یک کتاب (ص ۹۲) یا قسمتی از یک کتاب (ص ۹۷) یا برخی از کتابهای مؤلف (ص ۲۴۴) را دیده، به این نکته توجه داده است (نیز ص ۲۳۵، ۳۰۴، حاوی گزارشی از ابن نوح با همین سبک). او بیش از دویست بار، پس از ذکر کتابهای یک مؤلف به راوی یا راویان کتاب نیز اشاره کرده است (مثلاً «یرویه جماعة»، «یرویه فلان»، «یرویه جماعة منهم فلان»؛ و ظاهراً سبب تأکید نجاشی این است که در سده‌های نخستین تا حدود اواخر سده سوم، راویان کتب، خود، در تألیف کتابها همکاری داشته‌اند و چه بسا کتابی را راوی آن تدوین می‌کرده است. در واقع، استاد در مجلس درس مطالب را القا و راوی او آن مطالب را تدوین می‌کرده و کتاب را پدید می‌آورده است؛ لذا سهم شاگرد / راوی را در تألیف نباید نادیده گرفت. گویا توصیه ابن نوح سیرافی به نجاشی (ص ۶۰) به اینکه باید از هر نسخه کتاب صرفاً به مطالب همان نسخه اکتفا کرد و مطالب نسخه‌های مختلف را در هم نیامیخت، ناظر به همین ملاحظه بوده است. این احتمال هم هست که مؤلف کتابش را تقیح و بازخوانی کرده و سبب پدید آمدن نسخه‌های مختلف کتاب شده است. نجاشی درباره بسیاری از مؤلفان به این نسخه‌های گوناگون یا روایتهای مختلف اشاره (مثلاً ص ۳۲۷) و در برخی موارد تصریح کرده که اختلاف نسخه‌ها اندک است (مثلاً ص ۶، ۲۳۱). او به اختلاف نسخه‌های کتاب به دلیل اختلاف راویان (ص ۱۰۹، ۲۸۲، ۳۲۷)، و نیز اختلاف کوفیان و قمیان در روایت یک کتاب (ص ۱۲۷، ۲۵۸) نیز اشاره کرده است. یکی دیگر از ویژگیهای رجال نجاشی شناختی است که از «مدرسه»‌های علمی کوفه، بغداد و قم به دست داده است (ص ۳۵۱) و از آنها با عبارتهای کوفیون (ص ۱۶، ۱۲۷، ۱۸۳، ۲۳۸، ۲۵۸) و قمیون (ص ۱۷، ۲۷، ۸۲، ۹۱، ۲۱۹) یاد کرده، و گاه از قمیون انتقاد (ص ۳۶، ۳۸، ۳۲۹) یا در گفتارشان تردید کرده (ص ۷۷، ۳۳۸)، و گاه با انتقاد از بغدادیون (ص ۲۳۳) به گونه تردیدآمیز سخن گفته است.

بسیار وی در کاربرد الفاظ در هنگام ذکر طریق است.

در رجال نجاشی گاهی در ضمن ذکر طریق به کتابهای یک مؤلف، کتاب خاصی استثنا شده است (ص ۳۵۴). این استثنا به این معنا نیست که او یا افراد واقع در طریق به کتاب، انتساب آن را به مؤلف درست نمی دانسته اند، بلکه به این معناست که آنان به دلیل اشتغال کتاب بر مطالب نادرست، به ویژه مطالب غلوآمیز، از دادن اجازه روایت این کتاب به شاگردان خود احتراز می کرده اند. نجاشی درباره روایان ضعیف برای مصون ماندن از تأیید کامل، اجازه روایت آثار ایشان را با عباراتی نظیر «أما ما كان من غلو و تخليط» (ص ۸۰) یا «ما خلا التخليط» (ص ۳۳۶) همراه ساخته است. از سوی دیگر، نجاشی به سماع یا قرائت بسیاری از کتابها از مؤلفان آنها تصریح کرده که بهترین منبع برای شناخت حیات علمی او است (ص ۲۱-۲۴). به نظر می رسد، سایر طرق نجاشی به این دو روش نبوده است و به احتمال زیاد، بیشتر آنها به طریق اجازه صورت گرفته است، هرچند فقط در برخی موارد به کلمه «اجازه» یا «أجازنا» و مانند آن تصریح شده است.

تحمل کتب به طریق وصیت، با وصیت ابن نوح به کتب خود (برای نمونه ص ۶۷، ۱۰۲) یا وصیت شاگرد مؤلف یک اثر به نجاشی (ص ۳۸۳) امکان پذیر شده است. نجاشی در ذیل نام برخی مؤلفان اشاره کرده که شماری از کتابها (ص ۲۷۰)، یا بیشتر کتابهای آن مؤلف (ص ۲۶۸)، را خریده است. در جایی نیز تصریح کرده که نسخه قرائت شده بر مؤلف در نزد وی هست (ص ۳۸۳)، یا خبر داده که شخصاً نسخه اصلی کتاب به خط مؤلف را دیده است (ص ۲۶۹). همچنین گاهی در ضمن ذکر طریق به یک کتاب به ضعف و نابسامانی و غرابت آن اشاره کرده است (ص ۶۰، ۲۹۸، ۳۳۶، ۴۲۴). در معرفی حسین بن سعید اهوازی* و برادرش حسن، پاسخ ابن نوح به نامه نجاشی درباره طرق کتابهای حسین بن سعید درج شده که در آن به پنج راوی آن کتابها و طریق به آن پنج روایت (نسخه) و ارزیابی اجمالی آنها پرداخته است (ص ۵۹-۶۰).

ساختار کتاب. رجال نجاشی به ترتیب حروف تهجی (الفبا) تنظیم و هر حرف ذیل یک «باب» آمده است؛ در چند باب، عنوانهای فرعی نیز دیده می شود، همچون باب ابراهیم، باب اسحاق، و باب بسطام. صاحبان نام حسن و حسین در یک باب فرعی از باب الف آورده شده اند که ظاهراً از آن روست که این نامها غالباً با الف و لام همراه اند (ص ۳۴). در همه ابواب کتاب، اشخاص همنام در کنار هم معرفی شده اند، و به جز چند باب پیش گفته، در دیگر ابواب باب خاصی به یک نام اختصاص نیافته است، نامهایی نیز که فقط یک تن به آن نامیده شده است، در آخر باب قرار گرفته اند؛ ضمن آنکه در باب الف و باب باء

(ص ۱۰۵، ۱۱۲) بابی فرعی با عنوان «باب الواحد» وجود دارد. باب پایانی کتاب درباره کسانی است که به کنیه مشهورند («باب من اشتهر بكنيته»). این باب بسیار فشرده و با روشی متفاوت، به ویژه در ذکر طرق، نگارش یافته و در میان عناوین آن چند نام تکراری هست که در بابهای پیشین هم به آنها تصریح شده است (ص ۷۴، ۷۶-۷۷، ۸۰-۸۱). عناوینی دیگر نیز به عنوان عناوین مکرر در رجال نجاشی معرفی شده اند (همان، ص ۸۴-۶۹، با این ملاحظه که تکراری انگاشتن محمد بن یحیی بن سلمان خثعمی اشتباه است)؛ همچنین، دو زن یکی در آخر باب عین (ص ۳۰۴) و دیگری در آخر باب کاف (ص ۳۱۹) معرفی شده اند.

در آغاز کتاب (ص ۴) نیز بابی با عنوان «ذكر الطبقة الاولى» آمده و مؤلف در مقدمه کتاب آنها را با وصف «المتقدمين في التصنيف من سلفنا الصالح» معرفی کرده است. درج نام عبیدالله بن حر جعفی (ص ۹) ذیل این عنوان، با عنایت به تاریخ زندگی وی، درخور تأمل است (درباره این شخص به ویژه ص ۶، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۹؛ نیز ص ۱-۲۰۷).

منابع کتاب. نجاشی در تألیف رجال از منابع بسیاری بهره جسته است (ص ۴۹-۶۲). برخی از این منابع شفاهی بوده است، مانند شنیده های او از مشایخش، همچون حسین بن عبیدالله غضائری (ص ۸۰، ۹۵)، ابوالعباس احمد بن علی بن نوح (ص ۳۱۰، ۳۲۷، ۳۴۶، ۳۸۴) و شیخ مفید (ص ۸۴). او از دوست و همدرس خود احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری نیز مطالب بسیاری نقل و در مواردی به شفاهی بودن آن تصریح کرده است (برای نمونه ص ۳۵۵). به احتمال قوی، موارد بسیار دیگری از این دست می توان یافت. اطلاعات کتاب شناختی (به خصوص ص ۳۲۵) از طریق منابع شفاهی بسیار نقل شده (مثلاً ص ۶۶، ۸۳)، و در جایی (ص ۷۷) هم تصریح شده که احمد بن حسین در تاریخ خود این مطلب را آورده است. ممکن است منبع رجال نجاشی در بیشتر مطالبی که از احمد بن حسین نقل کرده است دو کتاب وی درباره اصول و مصنفات باشد (ص ۱۴۲۰، ص ۲)، اما برخی از این اطلاعات در کتاب رجال ابن غضائری وجود دارد. بر همین اساس، مراد از «بعض أصحابنا» در پاره ای موارد نیز هموست (نجاشی، ص ۳۲۴؛ قس ابن غضائری، ص ۱۱۵) که گاهی نجاشی از او انتقاد هم کرده است (ص ۳۸۴؛ قس ابن غضائری، ص ۹۸).

در میان منابع مکتوب، رجال ابن عقده* (متوفی ۳۳۲ یا ۳۳۳) از منابع اصلی نجاشی است و گاهی از تاریخ وی هم مطلبی نقل شده است (ص ۴، ۳۳۱). نجاشی از کتب استادش احمد بن علی، معروف به ابن نوح سیرافی، بسیار نقل

فهرست را مبسوط و با شیوه خاصی نگاشته، اما از ادامه تألیف آن بازمانده، و این اثر ناقص در اختیار نجاشی قرار گرفته و او آن را تکمیل کرده است. سپس، شیخ طوسی تألیف کتاب را با روشی فشرده ادامه داده، و از این رو، شیوه نگارش باب الف فهرست شیخ با دیگر ابواب آن کاملاً متفاوت است.

نجاشی از منابع خود در بسیاری از موارد به اجمال و با عبارات مبهمی، همچون «بعض اصحابنا»، «بعض اصحاب النسب» (ص ۸۲)، «بعض الکتب» (ص ۲۹۴) و «سمعت بعض شیوخنا» (ص ۳۸۵)، یاد کرده است. یادکرد او از گروه منابع با عبارتهایی چون «اصحابنا فی الفهرستات» (ص ۱۵، ۴۹)، «الفهرستات» (همانجا)، «اصحابنا فی الرجال» (ص ۲۴، ۷۳)، «شیوخنا فی اصحاب الاصول» (ص ۲۵)، «اصحابنا فی المصنفین» (ص ۸۷)، «اصحاب الرجال» (ص ۲۷، ۱۰۴)، «اصحاب کتب الرجال» (ص ۵۴، ۲۳۱)، «اصحابنا» (در بیش از بیست مورد)، و «اصحابنا القمیون» (ص ۷۷) بسیار است. گفتنی است که در موارد بسیاری، نجاشی از افرادی مطالبی نقل کرده که چندان روشن نیست این مطالب را از آثار آنها گرفته است یا از آثار دیگران (مثلاً ص ۱۱۳، ۱۱۵، ۳۳۳، ۳۷۸، ۳۷۹).

رجال نجاشی در کتب متأخر. سیداحمد بن طاووس نخستین کسی است که در کتاب خود، حلّ الاشکال، به گردآوری اطلاعات درباره بعضی اشخاص مذکور در کتب پنج گانه رجالی، از جمله رجال نجاشی، پرداخته که درباره آنها مدح یا قدح وارد شده است (ص صاحب معالم، ۵). در خلاصه الاقوال علامه حلی بی ذکر نام نجاشی و در رجال ابن داود و با رمز «جش» از مطالب رجال نجاشی نقل شده است. ضمن آنکه به باور صاحب معالم، علامه حلی غالباً مطالب کتاب خود را از حلّ الاشکال گرفته و مستقیماً به منابع اصلی، از جمله رجال نجاشی، مراجعه نکرده است.

پس از این کتب رجالی، اطلاعات رجال نجاشی در کتب فقهی، اصولی و رجالی پراکنده شده است. شهید ثانی (۱۴۱۳-۱۴۱۹، ج ۷، ص ۴۶۷) نجاشی را ضابط ترین رجالیان و آگاه ترینشان به حالات راویان دانسته و از نسخه رجال نجاشی، به خط سید بن طاووس، بسیار نقل کرده است (برای نمونه ص ۱۳۷۹-۱۳۸۰، ج ۲، ص ۹۱۰، ۹۱۷، ۹۴۲). بزرگان دیگری هم ادعا کرده اند که بر ضبط و اعرف بودن نجاشی اتفاق نظر هست (ص بهبهانی، ۱۴۱۷، ص ۷۰۲؛ همو، ۱۴۱۹، ص ۷۳؛ همو، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۳۹۹؛ حسینی عاملی، ج ۱۶، ص ۵۹۸). این ادعا را پس از بهبهانی، علامه بحر العلوم با ذکر شواهد متعدد تأیید و پیگیری کرده است (ص ۲، ج ۴۶؛ نقد آن در شوشتری، ج ۱، ص ۵۲۱). رجال نجاشی به طور قطع

کرده و گاهی به نقل از دست نویس او تصریح نموده است (ص ۴۴، ۱۱۲)؛ از آن جمله است: وصیت نامه ابن نوح برای نجاشی به کتابهایش به خط خودش (ص ۶۷، ۱۱۲)، پاسخ ابن نوح به نامه نجاشی (ص ۵۹)، اخبار الوکلاء (ص ۴۴۰) و کتاب مبسوط الزیادات علی ابی العباس بن سعید فی رجال جعفر بن محمد علیهما السلام (ص ۸۷)، که ظاهراً بیشتر مطالب نقل شده از ابن نوح برگرفته از آن است. او گاهی نیز به نقل از ابن نوح مطالبی را از بخاری آورده است (ص ۹، نیز ص ۱۷۰). اصل کتاب رجال کشی که به گفته نجاشی (ص ۳۷۲) کثیر العلم بوده، اما در اثر اشتباهات بسیار راه یافته، از منابع او بوده و از نقلهای نجاشی از آن برمی آید که این کتاب ابوابی درباره اصحاب امامان داشته است و نجاشی از بابهای اصحاب الکاظم (ص ۳۴، ۱۹۷)، اصحاب الرضا (ص ۲۶، ۳۶)، اصحاب ابی الحسن الهادی (ص ۴۴) و اصحاب ابی محمد العسکری (همانجا) مطالبی نقل و گاهی آنها را نقد کرده است (ص ۱۶). او در مواردی به فهرست حمید بن زیاد (ص ۲۳۲، ۲۵۷) ارجاع داده و ظاهراً منقول دیگر از حمید هم از این منبع است. بنابر قراین، این فهرست غیر از کتابی بوده که شیخ طوسی از آن مطالب راجع به حمید بن زیاد را نقل کرده و در آن سقط یا ارسال بسیار رخ داده بوده است (شیرازی، درس خارج فقه نکاح، مورخ ۲۴ بهمن ۱۳۷۷).

گویا نجاشی پس از تألیف اولیه کتابش به طبقات الشیعة سعد بن عبدالله اشعری* (متوفی ۳۰۰) دست یافته است (ص ۴۰۴، ۴۳۶). از این رو، در باب محمد پس از ذکر مشایخ خود و معاصران، از این مصدر نقل کرده (ص ۴۰۴)، و شاید به همین جهت غالباً طریق مؤلف به این کتاب ذکر نشده است. فهرست ابن بطة که به گفته نجاشی (ص ۳۷۵، نیز ص ۱۹۰)، در آن همه کسانی را که از آنان مطالب علمی شنیده یاد کرده است، از دیگر منابع نجاشی است که به گفته او (ص ۳۷۳) در آن بسیار اشتباه وجود دارد. در پاره ای موارد نیز به این اشتباهات اشاره شده است (ص ۱۳۰، ۲۷۹).

نجاشی از منابع متفرقه هم بهره جسته است، از جمله از کتابهای جاحظ، نظیر الحیوان (ص ۱۴۱)، المفخرة بین العدنانیة و الفحطانیة، البیان و التبیان (ص ۳۲۶، نیز ص ۱۵)؛ کتاب بغداد از احمد بن ابی طاهر (ص ۲۹۴)؛ فهرست محمد بن اسحاق ندیم (ص ۱۱۴)؛ و نیز کتاب فقهی شیخ مفید درباره نشانه آغاز ماههای قمری با نام مصابیح النور (ص ۴۴۷). فهرست طوسی نیز از منابع نجاشی است و با مقایسه این دو کتاب روشن می شود که در باب الف، نجاشی فقط از آن استفاده کرده، و جز طریق به آثار، دیگر اطلاعات رجال نجاشی تقریباً از این کتاب گرفته شده است. به نظر می رسد، شیخ طوسی باب الف

سودمندترین و پرمطلب‌ترین کتاب رجالی شیعی است که با دقت بسیار و ریزینی ویژه‌ای نگارش یافته، با این حال، اشتباهات کتاب چندان ناچیز نیست که بتوان از آنها چشم پوشید (شوشتری، ج ۱، ص ۵۳-۵۵؛ شبیری‌زنجانی، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۷)؛ به‌ویژه دربارهٔ اصحاب شیعه در قم، اطلاعات رجال نجاشی چندان استوار نیست و باید با سایر کتب، به‌ویژه آثار شیخ صدوق، مقایسه شود.

از رجال نجاشی با عنوان ابن‌النجاشی در تاریخ الاسلام ذهبی (ج ۹، ص ۱۹۴، ۲۷۷) و سیر اعلام النبلاء او (ج ۱۷، ص ۳۲۹) مطالبی نقل شده‌است. یاقوت حموی نیز در معجم‌الادباء در یک‌جا (ج ۶، ص ۲۴۳۵) از وی مطلبی نقل کرده (نیز ← نجاشی، ص ۳۸۴)، که در نسخهٔ چاپی معجم‌الادباء ابن‌النجاشی به ابن‌النخاس تحریف شده‌است. بیش از همه، ابن حجر عسقلانی در لسان‌المیزان از کتاب نجاشی نقل کرده که بیشتر به صورت خلاصه و نقل به معناست (← ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۱۲۱، ۱۲۷؛ نیز ← نجاشی، به همان ترتیب ص ۱۲۵، ۱۲۳) و گاهی هم مطالب آن تحریف شده‌است (ج ۲، ص ۱۱۷؛ قس نجاشی، ص ۱۲۰). ابن حجر عسقلانی گاهی در نقل خود از آن مطالبی به اطلاعات آن کتاب افزوده (مثلاً ج ۱، ص ۱۷۱، ج ۲، ص ۱۶؛ نیز ← نجاشی، ص ۲۵، ۱۱۳)، که ظاهراً از منابع دیگر برگرفته‌است؛ برخی از منقولات وی نیز در نسخهٔ موجود از رجال نجاشی دیده نمی‌شود (← ج ۲، ص ۹۴-۹۵، ۱۲۴، ۲۸۱-۲۸۲)، و با توجه به اشتباهات فراوان ابن حجر عسقلانی (← شبیری زنجانی، ج ۱، ص ۴۲، ۸۴) به نقل وی نمی‌توان اعتماد کرد و احتمال دارد که این موارد از مصدر دیگری گرفته شده‌باشد.

آثار مرتبط با رجال نجاشی. دربارهٔ رجال نجاشی آثار چندی به صورت حاشیه، ترتیب، تجرید اسناد و مواردی از این دست نگارش یافته‌است (← دریاب نجفی، ص ۶۳-۶۶)؛ شرح رجال نجاشی با نام تهذیب‌المقال فی تنقیح کتاب‌الرجال نوشته سیدمحمدعلی موحد ابطیعی از این دست آثار است. نخستین معرفی مبسوط رجال نجاشی در الفوائد الرجالية علامه بحرالعلوم (ج ۲، ص ۱۰۷-۱۲۳) آمده‌است؛ و کتاب مشیخهٔ نجاشی دریاب نجفی از آثار مهم دربارهٔ رجال نجاشی است که افزون‌بر مقدمه‌ای مبسوط در معرفی رجال نجاشی و مؤلف آن، استادان و افراد واقع در طرق نجاشی را نیز فهرست کرده‌است.

رجال نجاشی به همراه دیگر اصول رجالی در نرم‌افزار «درایة‌النور» آمده‌است؛ این نرم‌افزار قابلیت‌های فراوان دارد و در آن اطلاعات کتب رجالی از زاویه‌های مختلف پردازش شده‌است و با افزودن سیستم معیار، عناوین گوناگون اسناد به هم مرتبط شده‌اند.

چاپهای رجال نجاشی. رجال نجاشی چندین بار چاپ شده‌است (← دریاب نجفی، ص ۶۷). مهم‌ترین چاپ این کتاب، تصحیح سیدموسی شبیری‌زنجانی است که با استفاده از چهارده نسخه، متنی مصحح از کتاب (نزدیک‌ترین متن به نسخهٔ اصلی با عنایت به نسخه‌های موجود) پدید آمده‌است. تصحیح دیگر این کتاب در دو جلد به تحقیق محمدجواد نائینی منتشر شده و حواشی توضیحی بسیاری به آن افزوده شده‌است. شمارهٔ افراد معرفی شده در این چاپ کمی با چاپ پیشین تفاوت دارد و منشأ آن اختلاف در روش شماره‌گذاری برای برخی شرح‌حاله‌است، مانند شرح حال حسن بن سعید که در تصحیح نخست، به دلیل درج شرح حال حسین بن سعید در آن دو شماره (۱۳۶ و ۱۳۷) و در چاپ دوم یک شماره (۱۳۵) دارد. همچنین، توجه نکردن به موضوع کتاب رجال نجاشی که فهرست مصنفین است، سبب شده که علی بن ابی‌رافع که پس از پدرش معرفی شده‌است، شمارهٔ مستقل نداشته باشد (برای مورد دیگر ← ش ۸۷۹ تا ۸۸۱ در چاپ دوم؛ قس ش ۸۸۰ در چاپ اول).

منابع: آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ همو، طبقات اعلام الشیعة، بیروت ۲۰۰۹/۱۴۳۰؛ ابن‌بابویه، عیون اخبارالرضا، چاپ مهدی لاجوردی، قم ۱۳۶۳ ش؛ همو، کتاب من لا یحضره الفقیه، چاپ علی‌اکبر غفاری، قم ۱۴۰۴؛ ابن حجر عسقلانی، لسان‌المیزان، حیدرآباد، دکن ۱۳۲۹-۱۳۳۱، چاپ افست بیروت ۱۹۷۱/۱۳۹۰؛ ابن‌داوود حلی، کتاب‌الرجال، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۸۳ ش؛ ابن‌طاووس، التشریف بالمرن فی التعریف بالفتن، المعروف ب: الملاحم و الفتن، اصفهان ۱۴۱۶؛ همو، فتح الابواب بین ذوی الالباب و بین رب الارباب فی الاستخارات، چاپ حامد خفاف، قم ۱۴۰۹؛ همو، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، نجف ۱۳۶۸، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش؛ همو، الیقین باختصاص مولانا علی (علیه‌السلام) بامرة المؤمنین، چاپ [محمدباقر و محمدصادق] انصاری، قم ۱۴۱۳؛ ابن‌غضائی، الرجال لابن الغضائری، چاپ محمدرضا حسینی جلالی، قم ۱۴۲۲؛ محمدامین بن محمدشریف استرآبادی، الفوائد المدنیة، چاپ رحمة‌الله رحمتی اراکی، قم ۱۴۲۴؛ محمد مهدی بن مرتضی بحرالعلوم، رجال‌السید بحرالعلوم، المعروف بالفوائد الرجالية، چاپ محمدصادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، تهران ۱۳۶۳ ش؛ احمد بن عبدالرضا بصری، المقنعة الانیسة و المغنیة النفیسة، چاپ علی‌رضا هزار، در رسائل فی درایة الحدیث، چاپ ابوالفضل حافظیان بابلی، ج ۲، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳ ش؛ محمدباقر بن محمداکمل بهبهانی، حاشیة مجمع الفائدة و البرهان، قم ۱۴۱۷؛ همو، الرسائل الفقهیة، قم ۱۴۱۹؛ همو، فوائد الوحید البهبهانی، در علی بن حسین خاقانی، رجال‌الخاقانی، چاپ محمدصادق بحرالعلوم، [نجف ۱۳۸۸/۱۹۶۸]، چاپ افست [قم] ۱۴۰۴؛ همو، مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع، قم ۱۴۲۴؛ مصطفی بن حسین تفرشی، نقدالرجال، قم ۱۴۱۸؛ محمدجواد بن محمد حسینی عاملی، مفتاح

فی تنقیح کتاب الرجال للشیخ الجلیل ابی العباس احمد بن علی النجاشی، ج ۱، قم ۱۴۱۷؛ حسن موسوی خراسان، شرح مشیخة تهذیب الاحکام، نجف ۱۳۸۲/۱۹۶۳، در محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، ج ۱۰، تهران ۱۳۹۰؛ محمد بن علی موسوی عاملی، نهاية المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، چاپ مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاودی، و حسین یزدی، قم ۱۴۱۳؛ محمدباقر بن محمد میرداماد، الرواشح السماویة، چاپ غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت‌الله جلیلی، قم ۱۳۸۰؛ احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، چاپ محمدجواد نائینی، بیروت ۱۹۸۸/۱۴۰۸؛ همان: فهرست اسماء مصنّفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجان، قم ۱۴۱۶؛ نجفی؛ ابوالقاسم بن محمد نراقی، شعب المقال فی درجات الرجال، چاپ محسن احمدی، [قم] ۱۴۲۲؛ حسین بن محمدتقی نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، قم ۱۴۱۵-۱۴۲۰؛ یاقوت حموی، معجم الادباء، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۹۳؛

Etan Kohlberg, *A medieval Muslim scholar at work: Ibn Tāwūs and his library*, Leiden 1992.

/ سید محمدجواد شبیری /

رجانگها^۱، از اقوام کهن و مهم در سوماترای اندونزی. رجانگها در رشته کوه باریسان^۲، در مجاورت بندر بنگکولو^۳ در استانی به همین نام، در بخش جنوبی ساحل غربی سوماترا* ساکن اند (> جنوب شرقی آسیا<^۴، ج ۱، مقدمه اوی کیت جین^۵، ص ۲، ۵؛ > سرزمینهای اندونزی<^۶، ص ۲۵۸). آنان خود را «تون جانگ»^۷ (قوم جانگ) می نامند و در میان مالایاییهای سوماترای مرکزی و جنوبی به رجانگ شهرت دارند (> جنوب شرقی آسیا< ذیل ماده).

رجانگها زبان و خطی خاص دارند. ظاهراً قوم رجانگ برای نوشتن مالایایی قدیم از خطی خاص به نام رنکونگ^۸ بهره می بردند. در ۱۳۵۹ش / ۱۹۸۰، یک میلیون نفر به زبان رجانگ سخن می گفته اند (مارزدن^۹، ص ۳۷؛ کریب^{۱۰}، ص ۳۷-۳۸).

معلوم نیست رجانگها پیش از ورود اسلام به این منطقه چه دینی داشته اند، اما با ورود اسلام به سوماترا آنها نیز این دین را پذیرفتند (← مارزدن، ص ۲۴۹؛ نوئر^{۱۱}، ص ۵۰، ۷۸، ۱۵۶، ۲۰۷؛ نیز ← سوماترا*، در ۱۳۷۹ش / ۲۰۰۰، ص ۹۷٪ از جمعیت استان بنگکولو را مسلمانان و کمتر از ۲٪ را مسیحیان تشکیل می دادند. همچنین، رجانگها که ۲۱٪ از جمعیت بنگکولو را تشکیل می دهند، پس از جاوهای مهاجر، بزرگترین گروه قومی در این استان اند. رجانگها در شمال

الکرامه فی شرح قواعد العلامة، چاپ محمدباقر خالسی، قم ۱۴۱۹-؛ حسن بن سلیمان حلّی، مختصر البصائر، چاپ مشتاق مظفر، قم ۱۴۲۱؛ خوانساری؛ خویی؛ محمود ذریاب نجفی، مشیخة النجاشی: توثیقهم و طرقهم الی الاصول و الكتب، قم ۱۴۱۳؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۲۰۰۳/۱۴۲۴؛ همو، سیر اعلام النبلاء، چاپ شعيب انونو و دیگران، بیروت ۱۴۰۱-۱۴۰۹ / ۱۹۸۱-۱۹۸۸؛ موسی شبیری زنجان، جرعه ای از دریا، قم ۱۳۸۹ ش -؛ شوشتری؛ محمد بن مکی شهید اول، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، قم ۱۴۱۹؛ زین الدین بن علی شهید ثانی، البدایة فی علم الدرایة، چاپ غلامحسین قیصریه‌ها، در رسائل فی درایة الحدیث، همان، ج ۱، ۱۳۸۲ ش؛ همو، رسائل الشهد الثانی، قم ۱۳۷۹-۱۳۸۰ ش؛ همو، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹؛ محمد بن حسین شیخ بهائی، الوجیزة فی علم الدرایة، چاپ حسن حسینی آل مجد شیرازی، در رسائل فی درایة الحدیث، همان، ج ۱؛ حسن بن زین الدین صاحب معالم، التحریر الطاووسی، چاپ فاضل جواهری، قم ۱۴۱۱؛ صفّدی؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ همو، الرسائل العشر، قم [؟ ۱۴۰۳]؛ همو، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [قم] ۱۴۱۷؛ حسن بن ابی طالب فاضل آبی، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، چاپ علی پناه اشتهاودی و حسین یزدی، قم ۱۴۰۸-۱۴۱۰؛ محمد بن محمدابراهیم کلیاسی، الرسائل الرجالية، چاپ محمدحسین درایتی، قم ۱۳۸۰-۱۳۸۱ ش؛ علی بن قربانعلی کنی، توضیح المقال فی علم الرجال، چاپ محمدحسین مولوی، قم ۱۳۷۹ ش؛ محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم ۱۴۱۶؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ محیی الدین مامقانی، قم ۱۴۲۳-؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی؛ محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چاپ حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاودی، قم ۱۴۰۶-۱۴۱۳؛ جعفر بن حسن محقق حلّی، الرسائل التسع، چاپ رضا استادی، قم ۱۳۷۱ ش؛ همو، المعبر فی شرح المختصر، ج ۱، قم ۱۳۶۴ ش؛ همو، نکت النهایة، در محمد بن حسن طوسی، النهایة و نکتها، قم ۱۴۱۷؛ محمد بن حسن بن زین الدین، استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، قم ۱۴۱۹-؛ محمد بن محمد مفید، جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة، چاپ مهدی نجف، [قم] ۱۴۱۳؛ احمد بن محمد مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، چاپ مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاودی، و حسین یزدی اصفهانی، ج ۳، قم ۱۳۶۲ ش؛ محمد علی موحدابطحی، تهذیب المقال

- | | | | | |
|---------------------------------|-------------|-------------|-------------------|-----------------|
| 1. Rejangs | 2. Barisan | 3. Bengkulu | 4. Southeast Asia | 5. Ooi Keat Gin |
| 6. The Territories of Indonesia | 7. Tun Jang | 8. Rencong | 9. Marsden | 10. Cribb |
| 11. Noer | | | | |